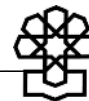


رازداری یا نهانکاری بانکی و مالی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۴	گفتار اول - نهانکاری مالی
۵	گفتار دوم - شفافیت اقتصادی
۱۱	گفتار سوم - شاخص نهانکاری مالی
۲۵	پیوست
۲۶	منبع و مأخذ



رازداری یا نهانکاری بانکی و مالی

چکیده

نوشتار حاضر بر تشریح پدیده‌ای در دنیای بانکاری و جریان‌های مالی تمرکز دارد که در ادبیات طرفداران آن، رازداری و محرمانگی بانکی و مالی و ازسوی منتقدان با عنوان نهانکاری مالی نامیده می‌شود. شقوق و جلوه‌های متنوع نهانکاری که در قالب حمایت تقنینی، ساختارها و تأسیسات ویژه حقوقی و کارشکنی و عدم همکاری در مبادله اطلاعات مالی میان دولت‌ها متبلور می‌شود، در این نوشتار تشریح می‌گردد. سپس اصل شفافیت به‌همراه مبانی اخلاقی و اقتصادی آن و رابطه نزدیک آن با حاکمیت قانون معرفی می‌شود. همچنین ضرورت رعایت توازن میان اعمال اصل شفافیت و حریم اختصاصی شهروندان و حق مالکیت تبیین می‌شود و راهکارها و سازوکارهای تضمین شفافیت نیز توضیح داده می‌شود. نهایتاً نماگر و شاخص نهانکاری مالی که از ۱۵ نماگر فرعی تشکیل می‌شود معرفی می‌گردد.

مقدمه

با توجه به ارتباط نزدیک میان شفافیت مالی و اقتصادی با سلامت نظام اقتصادی و حقوق عمومی که با نهانکاری مالی مخدوش می‌گردد، ضرورت دارد چارچوب مقررات حاکم بر این امر برای دولت‌ها و مجالس قانونگذاری و نهادهایی که مسئولیت تنظیم و وضع مقررات مربوطه را دارند روشن شود. مبانی نظری شفافیت که وجه مخالف نهانکاری است تا آنجایی که متناسب با حجم این گزارش قابلیت طرح دارد ارائه شده است و عملکرد دولت‌های مختلف با توجه به ۱۵ شاخص راجع به شفافیت و نهانکاری تشریح شده است.

با مروری بر این گزارش تفاوت حفظ محرمانگی و اسرار مشروع مشتریان نظام بانکی و مالی، با نهانکاری مالی که محل کارکرد سالم نظام اقتصادی است روشن می‌شود. با اوصاف مذکور، این گزارش می‌تواند در حکم مقدمه‌ای بر سلسله گزارش‌هایی باشد که با هدف پرتو افکندن بر زوایای مختلف نهانکاری مالی در کشورمان متعاقباً تدوین می‌شوند و موضوعات ذیل را تحت پوشش قرار می‌دهند:

۱. عملکرد نظام بانکی و مالی ایران در خصوص حفظ اسرار مشتریان و بررسی نهانکاری در حقوق ایران، اطلاعاتی که مورد محافظت قانونی و یا قراردادی قرار می‌گیرد.
۲. مبنای حقوقی نهانکاری و محرمانگی بانکی و مالی در ایران.
۳. پیشنهاد مدل جامع اصلاح مقررات بانکی و مالی در جهت حاکمیت شفافیت در بازارهای پولی، مالی و سرمایه کشور.

رازداری یا محرمانگی بانکی و مالی که در ادبیات انتقادی می‌توان از آن تحت عنوان نهانکاری بانکی و مالی^۱ نام برد، عبارت از قاعده‌ای حقوقی است که به موجب آن بانک‌ها و مؤسسات مالی مجاز می‌شوند که از افشای اطلاعات شخصی و اطلاعات مربوط به حساب‌های مشتریان خود به مقامات دولتی داخلی یا خارجی امتناع نمایند. البته ممکن است استثنائاتی بر این قاعده وارد گردد و بانک یا مؤسسه مالی در صورتی که علیه مشتری آن شکایت کیفری مطرح شده باشد به دستور قاضی ملزم به افشای اطلاعات شود. گشایش حساب‌های بی‌نام که دارنده آن صرفاً توسط یک شماره مشخص می‌گردد و هویت واقعی وی به‌غیر از عده معدودی از کارمندان بانک بر کس دیگری معلوم نمی‌شود سازوکار دیگری در جهت پوشش بیشتر محرمانگی بر رابطه بانک و مشتریان خاص آن است.

کشورهایی همچون سنگاپور، سوئیس، لوکزامبورگ، فیلیپین و سرزمین‌هایی که بهشت مالی/ مالیاتی نامیده می‌شوند دارای مقرراتی در نظام حقوقی خود هستند که از رازداری یا نهانکاری مالی پشتیبانی قانونی به‌عمل می‌آورند. این نوع پشتیبانی حقوقی به‌واسطه قوانین امری یا تکمیلی^۲ صورت می‌پذیرد. نخستین منبع قانونی که قاعده محرمانگی به شکلی که مورد انتقاد است را وارد عرصه حقوقی نمود، قانون بانکداری سوئیس است که در سال ۱۹۳۴ به تصویب رسید و پدیده مشهور به بانک‌های سوئیسی را متولد نمود. عامل تصویب این قانون مربوط به بروز یک رسوایی عمومی در فرانسه بود که نماینده مجلس فرانسه، فابین آلبرتی،^۳ از فرار مالیاتی توسط شهروندان مشهور و متنفذ فرانسوی همچون قضات، صاحبان صنایع، مقامات رده بالای کلیسا و مدیران روزنامه‌ها که اموال خود را در بانک‌های سوئیس پنهان می‌کردند انتقاد نمود.^۴ او ضمن سخنرانی خود این افراد را به طعنه وطن‌پرستانی نامید که احیاناً از تبعات سپرده‌گذاری در بانک‌های سوئیس بی‌خبرند و نمی‌دانند که ثروت آنها توسط بانک‌های سوئیس به آلمانی‌ها وام داده می‌شود. نام‌های

1. Banking and financial Secrecy

۲. این اصطلاح مفهومی حقوقی است. قانون یا قاعده امری قاعده‌ای است که نمی‌توان برخلاف آن توافق کرد، اما قاعده تکمیلی به‌رغم اینکه منشأ قانونی دارد اما توافق برخلاف آن جایز است.

3. Fabien Albery

4. Lucy Komisan, "Offshore Banking: The Secret Threat to American", *Dissent Magazine*, Spring Issue (I), 2003, PP. 27-31.



مشهوری چون برادران پژو^۱ و فرانسوا کوتی^۲ از مشاهیر صنعت عطر و ادکلن فرانسه در فهرستی که او ارائه داده بود جای داشت. پس از این افشاگری بود که بانک‌های سوئیس به‌خاطر گشایش حساب‌های بدون نام شهرت عظیم جهانی پیدا کردند که از دید منتقدان چیزی جز امداد قانونی به مرتکبان جرائم فرار مالیاتی و پولشویی و وسیله‌ای برای فعالان اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی نبود.

بنابر قاعده رازداری بانکی در نظام حقوقی سوئیس، الزام و اجرای محرمانگی با ضمانت اجرای قانونی تضمین می‌شود: به‌طوری که هرگونه افشای اطلاعات به اشخاص ثالث از جمله مقامات مالیاتی، دولت‌های خارجی و حتی مقامات دولتی سوئیس به‌استثنای مواردی که قرار صادره از دادگاه سوئیس، افشای اطلاعات را مقرر می‌دارد به‌شدت محدود می‌گردد. البته نمی‌توان بانکداری در سوئیس را بانکداری مطلقاً محرمانه نامید. چراکه حتی حساب‌های بی‌نام که صرفاً با یک شماره مشخص می‌شوند با هویت اشخاص معین مرتبط است و تحت شرایط ویژه ناظر بر جرائم شدید مثل کلاهبرداری مالیاتی یا شناسایی حساب‌های مظنونین به تروریسم، افشای اطلاعات مربوط به مشتریان به مقامات ذیصلاح برای بانک‌ها مجاز و قانونی است؛ هرچند گزارش نکردن درآمد مشمول مالیات، یا به‌عبارت دیگر فرار مالیاتی، نمی‌تواند مبنای الزام بانک به افشای اطلاعات قرار گیرد.

تحت فشارهای وارده از جانب گروه ۲۰ و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، دولت سوئیس در ماه مارس سال ۲۰۰۹ اعلام کرد که درخصوص مشتریان خارجی بانک‌های سوئیس، تمایز میان فرار مالیاتی و کلاهبرداری مالیاتی از میان خواهد رفت.^۳ این تمایز در رابطه با مشتریان داخلی به قوت خود برقرار است و کارمندانی که محرمانگی را نقض نمایند به‌شدت مورد مجازات‌های قانونی قرار خواهند گرفت.

قاعده رازداری بانکی همواره یکی از ارکان ماهوی بانکداری خصوصی به‌شمار آمده است و همزمان توسط دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان ابزاری که مورد سوءاستفاده فعالان اقتصاد زیرزمینی و حتی عاملان جرائم سازمان یافته بوده مورد سرزنش قرار داشته است. پس از دعوی جمعی علیه بانک واتیکان در دهه نود و وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک و شهادت کارمندان سابق برخی بانک‌ها و مؤسسات مالی سوئیسی از قبیل یو.بی.اس. (UBS) جولیس بائر^۴ و گروه ال.جی.تی از لیختن اشتاین علیه این مؤسسات مبنی بر اینکه مشتریان

1. Peugeot Brothers

2. Francois Coty

3. Federal Department of Finance FDF, "Switzerland adopt OECD Standard on Administrative Assistance in Fiscal Matters", 2003 Available Online at: <http://www.efd.admin.ch/00468/index.html>.

4. Julius Baer

بسیاری از طریق یاری این بانک‌ها و نهادهای مالی امکان یافته‌اند تا از تکلیف قانونی خود برای پرداخت میلیاردها دلار مالیات بگریزند، فضای حاکم بر مسئله تا حد زیادی دگرگون شد.^۱ در اثر این افشاگری‌ها و تغییر نگرش عمومی و فشار فزاینده، پارلمان سوئیس در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۰ مقابله‌نامه میان دولتین ایالات متحده و سوئیس را به تصویب رساند که به موجب آن مدیران بانک یو.بی.اس مجاز می‌شدند اطلاعات مربوط به ۴۴۵۰ مشتری آمریکایی خود را که مظنون به فرار مالیاتی بودند در اختیار مقامات آمریکایی قرار دهند. به دنبال این وقایع بخش قابل ملاحظه‌ای از مشتریان بانک‌های سوئیس که از بانک‌های این کشور رویگردان شده بودند، به بانک‌های خصوصی سنگاپور و هنگ‌کنگ پناه بردند. علاوه بر بانک‌های محلی برخی بانک‌های خصوصی سوئیس نیز اقدام به گشایش دفاتر نمایندگی در این دو کشور نمودند. سنگاپور دارای قوانین رازداری بانکی مشابه سوئیس است و هنگ‌کنگ با وجود اینکه فاقد این نوع مقررات است، اما در عوض امکان تأسیس شرکت‌های مبهم را به وجود می‌آورد که می‌تواند وسیله مناسبی در جهت تسهیل فرار مالیاتی تلقی شود.

پس از این مقدمه، در ادامه مطالبی در خصوص ماهیت رازداری مالی و شفافیت اقتصادی ارائه می‌شود و معرفی شاخص رازداری بانکی در پی می‌آید.

گفتار اول - نهانکاری مالی

نهانکاری مالی از رازداری و محرمانگی مشروع متمایز است. منتقدان نهانکاری مالی از بانک‌ها و مؤسسات مالی انتظار ندارند که اطلاعات مشتریان خود را برای عموم منتشر کنند. به همان ترتیب که پزشکان ملزم نیستند اطلاعات و پرونده بیمار خود را با کسی در میان بگذارند. قلمرو نهانکاری مالی از نقطه‌ای شروع می‌شود که بانک یا مؤسسه مالی از ارائه اطلاعات لازم به مقامات ذیصلاح - که به موجب قانون برای دریافت اطلاعات واجد صلاحیت شناخته شده‌اند و در جهت اجرای قوانین جزایی و یا دریافت مالیات از مؤیدان متمول به آن اطلاعات نیاز دارند - امتناع می‌ورزند.

نهانکاری مالی در شقوق سه‌گانه ذیل قابل مشاهده است:

شق اول که شناخته‌شده‌ترین روش است، در کشورهای چوون سوئیس و اتریش و لوکزامبورگ اعمال می‌شود. بانکداران به مشتریان خود تعهد می‌سپارند که اسرار مشتریان خود را با خود به گور خواهند برد و قانون دولت متبوع این بانکداران، با ضمانت اجرای قانونی، از چنین

1. Paul Sullivan, "Penalties Don't Deter All From Hiding Money Overseas", 2011, Available Online at: <http://www.nytimes.com/2011/02/05>.



تعهدی محافظت می‌کند و کسانی را که به نقض آن مبادرت ورزند به کیفر می‌رساند. شق دوم که روشی کمتر شناخته شده است اما از حیث پیچیدگی و مؤثر بودن اهمیت بیشتری دارد شامل کشورهای است که می‌توان در قلمرو آنها اقدام به تشکیل سازمان‌های حقوقی از قبیل تراست یا شرکت یا بنیادهای تجاری نمود که مالکیت و اهداف و کارکرد آنها مخفی می‌ماند و قابل دسترسی نیست. کشف و افشای نهانکاری که با به‌کار گرفتن این روش صورت می‌گیرد به مراتب دشوارتر از نهانکاری مبتنی بر روش نخست است. ایالات نوادا، دلاور و وایومینگ در ایالات متحده آمریکا با مجاز شمردن تأسیس سازمان‌هایی از این دست، امکانات نهانکاری نفوذناپذیری را فراهم می‌سازند که مالک یا منتفع واقعی پشت مقامات اسمی که در واقع وکلا و نمایندگان حرفه‌ای هستند پنهان می‌شوند. بنابراین به فرض شناسایی مقامات اسمی اشخاص اصلی از پرده برون نمی‌افتند. این ساختارها قابلیت و ظرفیت نهانکاری بسیار بالایی دارند. به‌طوری که تنها ثروت انباشته در تراست‌های جرسی^۱ در سال ۲۰۰۹ بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شد.^۲

شق سوم نهانکاری مالی از طریق مانع‌تراشی دولت‌ها بر سر راه همکاری و مبادله اطلاعات میسر می‌شود. ممکن است دولت‌ها حتی با وجود موافقتنامه‌های دوجانبه و یا چندجانبه درخصوص تبادل اطلاعات مالی مشتریان خارجی بانک‌های مستقر در قلمروشان، از جمع‌آوری و تحصیل اطلاعات مالی امتناع کنند. بدین ترتیب موافقتنامه‌های تبادل اطلاعات عملاً در صورتی که دولت اطلاعات لازم را گردآوری نکرده باشد بی‌اثر می‌ماند. گاهی هم دولت به‌رغم وجود اطلاعات، یا از ارائه آن پرهیز می‌کند و یا با تراشیدن موانع دیوان‌سالارانه دسترسی به آن را ممتنع می‌سازد.

گفتار دوم - شفافیت اقتصادی

سازوکارهایی که بروز جریان‌های نامشروع مالی را امکانپذیر می‌سازند نتیجه رابطه و همکاری متقابل میان دولت‌های نهانکار و وکلا، حسابداران و بانکدارانی است که قالب‌ها و ساختارهای لازم را برای سهولت این امر به‌وجود می‌آورند و سپس دولت‌های نهانکار با استفاده از رژیم‌های سیاسی و حقوقی، کارکرد این ساختارها و قالب‌ها را تضمین می‌نمایند. مهمترین ویژگی این ساختارها که به کارکرد آنها کمک می‌کند، عدم شفافیت است. بنابراین به آسانی می‌توان پذیرفت که میان حاکم بودن اصل شفافیت از یکسو، حجم جریان‌های نامشروع مالی ازسوی دیگر، رابطه معکوس برقرار است.

1. Jersey

2. FSI Team, "Financial Secrecy Index, 2011, Available Online at: <http://www.financialsecreaegindex.com/>. Last Accessed September 28, 2012.

اساس استدلال‌هایی که به نفع ترویج و تحکیم شفافیت ارائه شده است، ضرورت تحقق عدالت در جامعه انسانی است. ضرورت عدالت، برابری همگانی در قبال قانون را ایجاد می‌کند که در نتیجه آن قانون باید به یکسان در خصوص همه مردم اعمال شود. بدین ترتیب مفهوم حاکمیت قانون در جامعه مستقر می‌شود. البته مفاهیم متعددی برای عدالت قائل شده‌اند و مباحث بسیاری پیرامون آن در حوزه‌های مختلف شکل گرفته است که مجال طرح آن در این گزارش نیست و صرفاً به یکی از مفاهیم آن که در برابری همگانی در قبال قانون و اصل حاکمیت قانون متبلور می‌شود بسنده می‌گردد.

زمانی که سخن از شفافیت اقتصادی و مالی در جهت به حداقل رساندن جریان‌های نامشروع مالی و در جهت نزدیک شدن به حاکمیت قانون است، مقصود، بسط عدالت در فراتر از مرزهای یک دولت است. صرف‌نظر از چارچوب‌های نظری این مسئله، ترسیم نقشه جغرافیایی جریان‌های مالی نامشروع و تدقیق در مبادی و خط سیر و مقاصد آن نشان می‌دهد که زیان‌های ناشی از آن، منافع کل جامعه انسانی و نه شهروندان یک دولت خاص را هدف گرفته است و در واقع پدیده‌ای بین‌المللی است. حقوق بین‌الملل که در وجه غالب، حقوق بین‌الدول تلقی می‌شود، برای تمشیت شفافیت مالی بسیار ضعیف و مبهم است. این درحالی است که در جامعه بشری امروز که به مفهوم دهکده جهانی هرچه نزدیک‌تر می‌شود، عدم شفافیت مالی در یک نقطه از جهان و در قلمرو یک دولت خاص، منافع شهروندان دولت‌های دیگر را در نقطه‌ای دیگر از جهان به خطر می‌اندازد و به تبع آن مفهوم حاکمیت قانون و عدالت را در آنجا مخدوش می‌سازد.

به‌عنوان نمونه، وجود سازوکارهای نهانکاری و عدم شفافیت در کشوری مثل سوئیس باعث می‌شود طبقه متمول و نخبگان اقتصادی در یک کشور دیگر که مشمول قوانین مالیاتی هستند با استفاده از این سازوکارها از قید حاکمیت قانون در کشور خود بگریزند. درحالی که طبقه متوسط و حتی فقیر در همان کشورها که میزان بهره‌مندی آنها از مزایای اقتصادی کشورشان نسبت به طبقه متمول و نخبگان اقتصادی به مراتب کمتر است، مشمول الزامات قوانین مالیاتی باقی بمانند. تا جایی که هزینه کالاهای عمومی همچون امنیت و دفاع ملی که مورد مصرف همگانی، از جمله طبقه متمول و نخبگان اقتصادی است، از رهگذر اعمال نابرابر قوانین مالیاتی که عامل آن عدم شفافیت در یک کشور دیگر است برعهده طبقه متوسط و فقیر قرار گیرد.

البته با وجود وابستگی نزدیک میان شفافیت مالی و تحقق برابری و حاکمیت قانون و عدالت، اعمال آن تا حدی مطلوب است که متعرض حق مالکیت نشود. بدین ترتیب ترسیم هر راهکاری در این خصوص جز با در نظر داشتن تعادلی منطقی و منصفانه میان اصل شفافیت و حق مالکیت امکان موفقیت نخواهد داشت. یک سوی این تعادل ناظر بر حق خصوصی شهروندان بر اموال آنها است و سوی دیگر آن معطوف به حق عمومی دولت برای اعمال حقوق حاکمیتی از جمله اخذ مالیات می‌باشد.



حال که تعادل میان اصل شفافیت و حق مالکیت با شاخص حق خصوصی شهروندان و حق عمومی دولت سنجیده شد، لازم است که وجه دیگر مسئله یعنی رعایت حق مالکیت در مقابل تکلیف شهروندان به رعایت حقوق عمومی دولت نیز مورد توجه قرار گیرد. برای روشن تر و عینی تر شدن نتیجه بحث می توان گفت که پیش شرط انتظار تضمین و ضمانت حق مالکیت توسط دولت، این است که حق دولت نیز برای وصول عادلانه مالیات از شهروندان تضمین شود. بدیهی است که وصول عادلانه مالیات جز با ترویج و استقرار شفافیت مالی در سراسر جهان میسر نخواهد بود. مجدداً لازم به تأکید است که به هیچ عنوان هدف از طرح این مباحث این نیست که پای دولت به زندگی شخصی مردم باز شود و حریم اختصاصی افراد مادام که عملی غیرقانونی مرتکب نشده‌اند و به عنوان شخص حقیقی به رفع و رجوع امور اقتصادی خود اشتغال دارند به چالش کشیده شود.

حق بر محرمانگی و حریم اختصاصی با عامل تکلیف فرد در برابر دولت متوازن می‌شود. اشخاص باید در برابر مزایا و امتیازاتی که توسط رژیم حقوقی به آنها داده می‌شود با حس مسئولیت برخورد کنند. به عنوان مثال وقتی اشخاص حقیقی به صورت انفرادی و یا با سایر اشخاص در قالب شرکت مدنی به فعالیت تجاری یا اقتصادی می‌پردازند، مسئولیت آنان نامحدود و تضامنی است. خلق شخصیت حقوقی و اعطای امکان فعالیت اقتصادی و بازرگانی با مسئولیت محدود به آنها، یکی از مزایایی است که رژیم حقوقی برای توسعه اقتصادی و محدود کردن دامنه ریسک به اموال شرکت بازرگانی به وجود آورده است تا اموال شخصی افراد مصون بماند.

تراست^۱ یکی دیگر از اقسام ساختارهایی است که نحوه اعمال حقوق مالکیت را در مقایسه با آنچه در خصوص اشخاص حقیقی به اجرا در می‌آید دگرگون می‌کند. خلق این پدیده‌های قانونی توسط رژیم حقوقی، در حکم مزایایی است که ضمناً می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد. نفی موجودیت این نهادهای حقوقی، پنداری تندروانه و غیرمنطقی است. لکن آنچه باید مورد اصرار باشد این است که حق جامعه برای حصول اطمینان از اینکه از مزایای حاصل از ساختارهای مزبور مسئولانه بهره‌برداری شده است محفوظ داشته شود.

حصول اطمینان از حسن بهره‌برداری از ساختارهای قانونی فقط زمانی امکانپذیر است که ادله و مستندات راجع به آن موجود باشد. به طوری که مصادف با موجودیت یافتن نهادهای زیربند مثل تراست‌ها، هویت منتفعان واقعی، نام و مشخصات دقیق کسانی که آن را مدیریت می‌کنند، اسناد تأسیسی

۱. «Trust»؛ تراست یکی از تأسیس‌های به رسمیت شناخته شده در نظام حقوق عرفی است. این تأسیس، شبیه تأسیس وقف در نظام حقوقی ایران است که البته ویژگی‌های خاص خود را دارد. تراست چنین تعریف شده است: رابطه‌ای که شخص دیگری، براساس اصول انصاف موظف می‌شود مالی (خواه منقول خواه غیرمنقول) را به نفع اشخاصی که ممکن است خود در زمره آنها باشد، نگهداری و اداره کند.

آنها و حساب‌هایی که عملیات مالی به واسطه آنها صورت می‌گیرد طبق قانون ثبت شود. بدین ترتیب اشخاصی که دارای نفع مشروع در کنترل مطابقت اعمال این نهادها با الزامات قانونی هستند خواهند توانست حق خود را اعمال نمایند. الزام به ثبت این مشخصات و اطلاعات در واقع بهای برخورداری از مزایای حاصل از ساختارها و نهادهای قانونی است که اشخاص از آن بهره‌مند شده‌اند.

چنانچه ملاحظه شد استدلال‌های اخلاقی نیرومندی به نفع شفافیت مالی وجود دارد که براساس آن جامعه به اشخاص اجازه می‌دهد در جهت منافع خصوصی خود از ساختارهای حقوقی خاص، مانند تراست، بهره‌برداری کنند و در مقابل سایر افراد جامعه نیز حق نظارت بر این ساختارها را پیدا می‌کنند تا اطمینان حاصل کنند که منافعشان با سوءاستفاده دیگران از این نوع ساختارها به خطر نمی‌افتد. با این حال مبانی شفافیت مالی به مسائل اخلاقی خلاصه نمی‌شود و جنبه‌های اقتصادی قابل توجهی در تقویت ضرورت شفافیت مالی مدنظر است.

بنابر نظریه اقتصادی، کارآیی تخصیص منابع به شرایط خاصی وابسته است که وجود اطلاعات کامل یکی از آن شرایط است. هرچند تحقق اطلاعات کامل فقط در نظر متصور است، اما تلاش برای تحقق آن، آن هم ممکن و هم مطلوب است. نقش نظام‌های مالی و حقوقی نهانکار ایجاد اختلال در حرکت به سوی اطلاعات کامل است که در نتیجه آن عده‌ای از روند جاری در بازار مطلع می‌شوند و آن اطلاعات از چشم عده‌ای دیگر پنهان می‌ماند. رژیم‌های نهانکار تعمداً اطلاعات را به صورت نامتقارن به نفع و به نمایندگی از نخبگان مالی به زیان گروهی دیگر نهفته نگه می‌دارند.

نکته دیگر اینکه شفافیت در ارتباط با نظام مالیاتی به این معنا است که امکان حصول اطمینان از همخوانی و مطابقت ماهیت اقتصادی معاملات با جنبه شکلی و محل انجام معاملات برای سازمان امور مالیاتی در گزارش‌های مالیاتی که دریافت می‌کند وجود داشته باشد. بنابراین تعریف، اگر معامله‌ای در کشوری به ثبت برسد درحالی که در کشور دیگری انجام شده و آثار اقتصادی آن در آن کشور به وجود آمده است، شفافیت فقط در صورتی قابل تحقق است که افشای کامل اطلاعات در هر دو کشوری که معامله ثبت شده و در کشوری که معامله انجام شده است به موجب قانون الزامی باشد.

خدمات نظام‌های نهانکار به نخبگان مالی این است که معاملاتی را که در واقع در جای دیگری انجام شده است در حوزه حاکمیت خود به ثبت می‌رسانند. هرچند نظام‌های نهانکار تخفیف‌ها و یا معافیت‌های مالیاتی قابل توجهی را به کسانی که معاملات خود را در کشور آنها به ثبت می‌رسانند ارائه می‌کنند، اما تخفیف و معافیت مالیاتی در برابر نهانکاری مزیتی فرعی به‌شمار می‌آید. به طوری که بدون مصونیت از افشای اطلاعات، تخفیف یا معافیت مالیاتی، چندان مزیت جذاب و خوشایندی نخواهد بود. این کارکرد از ماهیت رژیم‌های نهانکار نشئت می‌گیرد. نظامات حقوقی و قانونی در این رژیم‌ها تعمداً به نفع نخبگان مالی است که در حوزه جغرافیایی آنها اقامت ندارند و به منظور تضعیف



حاکمیت قانون، محل اقامت آن نخبگان تنظیم شده است. نخبگان مالی خارجی با بهره‌گیری از حجاب قانونی رژیم‌های نهانکار، هویت خود و ماهیت عملیات مالیشان را از شناسایی مصون می‌سازند. نخبگان مالی برای مصونیت بیشتر، برای اداره امور مالی خود در رژیم‌های نهانکار از اشخاصی که با عنوان نمایندگی یا نیابت عمل می‌کنند استفاده می‌نمایند. با این تمهیدات امکان شناسایی مالکیت و کنترل نهادهایی که با نیابت و با مسئولیت محدود اداره می‌شوند عملاً منتفی می‌گردد.

به‌دنبال برگزاری گردهمایی گروه ۲۰ در آوریل سال ۲۰۰۹ در لندن تعداد قابل توجهی موافقتنامه‌های بین‌المللی به‌منظور مبادله اطلاعات مالیاتی به امضا رسید. وجود این دست موافقتنامه‌ها در روابط بین‌الملل اقتصادی تازگی ندارد ولی با این حال موفقیت برای نیل به اهداف این معاهدات بسیار پایین بوده است. به‌عنوان مثال در کیمن ایسالند^۱ که پنجمین مرکز بانکی جهان است و حجم قابل ملاحظه‌ای از امور مالی و بازرگانی از ایالات متحده به آنجا روان است، دولت در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ جمعاً ۸۰ تقاضای مبادله مالیاتی دریافت کرده است که نسبت به تعداد انبوه معاملاتی که در آن صورت می‌گیرد ناچیز است. تقاضای مبادله مالیاتی باید حاوی اطلاعات ذیل باشد:

(الف) هویت شخص مورد نظر،

(ب) نوع اطلاعات مورد تقاضا،

(ج) امر مالیاتی که اطلاعات مورد تقاضا مربوط به آن است،

(د) علل توجیه وجود اطلاعات مورد تقاضا در حوزه حاکمیت دولت مورد نظر،

(ه) حتی‌المقدور اطلاعات تماس و نشانی فرد مورد نظر.

عملکرد پنهان نگاه داشتن ذینفع نهایی در فرآیند نهانکاری بدین ترتیب است که یک تراست در نظام‌های نهانکار تشکیل می‌شود. نمایندگان ذینفع نهایی که در یک کشور خارجی اقامت دارند با سمت نیابت و امانت به اداره تراست می‌پردازند. تراست، اداره شرکتی با مسئولیت محدود را به دست می‌گیرد. شرکت اقدام به گشایش حساب بانکی در حوزه رژیم نهانکار می‌نماید و از طریق آن به عملیات مالی و تجاری می‌پردازد که غالب آنها در کشورهای خارجی انجام می‌شوند و فقط جنبه شکلی معاملات در کشور نهانکار صورت می‌گیرد. سپس نقش قوانین نهانکاری آغاز می‌شود و کشف ارتباط میان حساب بانکی و ذینفع نهایی را در منظر عموم و حتی مقامات دولت متبوع ذینفع نهایی منقطع می‌سازد. با چنین وضعیتی حتی به فرض وجود مقاله‌نامه‌های تبادل اطلاعات مالیاتی راه دسترسی به اطلاعات مسدود خواهد بود.

ملاحظه می‌شود که شفافیت مالی بسیار فراتر از آن است که صرفاً به طیف محدودی از جرائم

مالی از قبیل تأمین مالی عملیات تروریستی، پولشویی و معاملات نامشروع منحصر بماند. معطوف شدن اذهان و افکار عمومی به جرائم و جنایات بزرگ پس از خواندن یا شنیدن کلمه شفافیت بیانگر آن است که کارکرد اصل شفافیت ناشناخته مانده است. شفافیت مالی پیش‌شرط کارکرد سالم نظام مالی و اقتصادی کشورها و نظام مالی بین‌المللی در رابطه با گردش آزاد اطلاعات و تخصیص بهینه منابع اقتصادی است. اینکه تصور شود که نظام‌های مالی و حقوقی باید از اصل شفافیت برای مشخص کردن ماهیت معاملات مشکوک استفاده کنند، تصویری خطا است. چراکه بدون اعمال این اصل، امکان تشخیص معاملات مشکوک از معاملات سالم از بین می‌رود و محملی برای تمیز دادن معاملات مشروع از نامشروع باقی نمی‌ماند. برای تحقق شفافیت لازم است حوزه‌های قضایی یا دولت‌هایی که اصطلاحاً مناطق فراساحلی^۱ گفته می‌شوند که به‌عنوان بهشت‌های مالی و مالیاتی نیز مشهور هستند، شرایطی فراهم سازند که اطلاعات مربوط به معاملاتی که در حوزه حاکمیتی آنها به ثبت رسیده است، اما اثر اقتصادی خود را در حوزه حاکمیتی دولت دیگری بجا نهاده است توسط مقامات ذیربط در دولت مورد نظر قابل احراز باشد. البته دولت‌های نهانکار به‌آسانی به نقض اصل شفافیت اعتراف نمی‌کنند. به باور آنها، دست مقامات ذیصلاح دولت‌های ذینفع برای اعمال پیامدهای قانونی درخصوص معاملات نامشروع باز است. در صورتی که ماهیت معاملاتی که اطلاعات مربوط به آن در حوزه دولت نهانکار پنهان شده است به‌لحاظ مشروع یا نامشروع بودن قابل تشخیص نیست. بنابر توضیحات گفته شده، حصول شفافیت مشروع به موارد و مراتب زیر است:

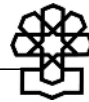
۱. **هویت واقعی:** هویت مالک و ذینفع نهایی در معاملات باید برای طرف دیگر معامله و همچنین مقامات ذیصلاح قابل احراز باشد. این امر وابسته به آن است که:

الف) سوابق تجاری اشخاص حقیقی در دفاتر و آرشیوهای عمومی به ثبت برسد.

ب) همه سازمان‌ها و نهادهایی که دارای شخصیت حقوقی هستند - اعم از اینکه تجاری یا غیرتجاری باشند - جزئیات مشروع راجع به ذینفع نهایی و اصلی و هویت مدیران و اساسنامه و سایر اسناد تأسیسی خود را به ثبت برسانند.

۲. اشخاص حقوقی دفاتر حساب خود را مطابق استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی آماده کنند؛ به‌طوری که قادر باشند علاوه بر جنبه شکلی معاملات، یعنی محل ثبت، جنبه ماهوی آن یعنی محل وقوع و مشخصات حقیقی معامله را نیز در صورت اقتضا ارائه نمایند.

۳. مقامات ذیصلاح بتوانند اطلاعات کافی درخصوص معاملاتی که عقیده دارند در حوزه حاکمیتی آنها صورت گرفته تحصیل نمایند و مقامات ذیربط در سایر کشورها نیز نهایت تلاش خود را برای ارائه اطلاعات به‌کار ببندند، بدون اینکه ارائه اطلاعات به مقامات درخواست‌کننده را مشروط



به اثبات وقوع جرم کنند. بی تردید استیفای چنین حقی توسط مقامات دولتی به نمایندگی از جامعه، مشروط به وجود سبب معقول و موجه قانونی خواهد بود و حق کسانی که از بابت اعمال ناروا و سوءاستفاده از آن متضرر می‌شوند برای پیگیری قضایی حقوق ضایع شده خود به نحو شایسته و تحت دادرسی منصفانه محفوظ خواهد بود.

۴. امتناع از همکاری بین‌المللی فقط در موارد استثنایی که بنابر احتمال عقلایی ممکن است با افشای اطلاعات، امنیت جانی افراد به خطر افتد مجاز شناخته شود.

پایان کلام در مبحث شفافیت اینکه آن‌الگویی از شفافیت مطلوبیت دارد که در صورت بروز خطر برای افراد در صورت افشای اطلاعات و یا وجود دلایل موجه برای امتناع از افشای برخی از اطلاعات، محافظت و حمایت قانونی کافی وجود داشته باشد؛ متقابلاً زمانی که هدف از عدم افشا سوءاستفاده از پنهان نگاه داشتن اطلاعات است، حق جامعه که از این بابت متضرر می‌شود برای درخواست و دریافت اطلاعات به‌لحاظ قانونی به رسمیت شناخته شود.

گفتار سوم - شاخص نهانکاری مالی^۱

شاخص نهانکاری مالی با استفاده از مجموعه داده‌های کمی و کیفی به سنجش سهم کمک‌کشورها (حوزه‌های حقوقی) به مشکل جهانی نهانکاری مالی می‌پردازد. این شاخص از ۱۵ نماگر (شاخص فرعی) به‌دست می‌آید. اطلاعات کیفی مبتنی بر مقررات، مشارکت با سازوکارهای مبادله اطلاعات و سایر منابع اطلاعاتی قابل اتکا برای محاسبه درجه نهانکاری قلمرو حقوقی هر کشور استفاده می‌شود. شاخص نهانکاری مالی درجه نهانکاری در هر دولت را از حیث خدمات راجع به مخفی‌کاری مالی به اشخاص غیرمقیم مشخص می‌سازد.

جدول ۱. خلاصه پانزده نماگر استفاده شده در رتبه‌بندی نهانکاری مالی

شماره نماگر	دسته‌بندی نماگر براساس زمینه
دانش مالکیت انتفاعی^۱	
۱	نهانکاری بانکی: آیا نهانکاری بانکی به واسطه مبانی قانونی مورد حمایت قرار می‌گیرد و آیا بانک‌ها ملزم به اخذ و جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات مکفی راجع به مشتریان‌شان هستند؟
۲	امکان ثبت مؤسسات (بنیادها) و تراست‌ها: آیا امکان ثبت و ایجاد بنیادها و تراست‌ها وجود دارد و آیا امکان دسترسی همگانی به این کار وجود دارد؟
۳	ثبت مالکیت نهایی شرکت‌ها: آیا جزئیات مالکیت نسبت به منافع شرکت‌ها ثبت شده و توسط مقام مسئول به‌روزرسانی می‌شود؟
جنبه‌های کلیدی مقررات شفافیت شرکتی	
۴	انتشار جزئیات مالکیت شرکت‌ها: آیا جزئیات مالکیت منافع شرکت‌ها حفظ شده و با هزینه مناسب در اینترنت قابل دسترس می‌باشد؟
۵	دسترسی به حساب‌های شرکتی: آیا نظام قضایی کشور، الزامی برای ثبت حساب‌های شرکتی در یک نهاد رسمی ایجاد کرده و آیا این حساب‌ها با هزینه مناسب در اینترنت در دسترس می‌باشد؟
۶	گزارش کشور به کشور: آیا نظام قضایی کشور، شرکت‌های ثبت شده در بورس ملی را ملزم به موافقت و همراهی با استاندارد گزارش کشور به کشور می‌کند؟
کارآیی مقررات مالی و مالیاتی	
۷	ظرفیت تبادل اطلاعات: آیا تمامی مؤسسات پرداختی (مثل بانک‌ها، تراست و مدیران مؤسسات و بنیادها) ملزم به ارائه گزارش پرداخت سود سهام به اشخاص غیرمقیم اداره مالیاتی هستند؟
۸	کارآیی سازمان مالیاتی: آیا اداره مالیاتی از سازوکار تعیین هویت مؤدیان استفاده می‌کند؟
۹	استفاده از ابزارهای جلوگیری از فرار مالیاتی: آیا نظام قانونی کشور، به‌ازای مالیات بر درآمدهای سرمایه‌ای حاصل شده در خارج از کشور شامل مالیات بر سود بانکی و سود سهام، اعتبار مالیاتی اعطا می‌کند یا خیر؟
۱۰	نهادهای و تأسیسات حقوقی زیان‌آور: آیا در نظام حقوقی کشور، ثبت شرکت‌های سلولی محافظت شده (PCC) و مجاز بودن یا نبودن شرط گریز را در اسناد تأسیس تراست مورد سنجش قرار می‌دهد؟
استانداردهای بین‌المللی و شرکتی	
۱۱	مقررات ضد پولشویی: ارزیابی براساس توصیه‌های کارگروه اقدام مالی ^۲ (FATF)
۱۲	مشارکت در سازوکارهای مبادله اطلاعات: آیا نظام حقوقی کشور، در معاهدات دوجانبه یا منطقه‌ای و یا چندجانبه و بین‌المللی (AIE provisions of the EU's savings tax directive)، به‌منظور مبادله اطلاعات مالیاتی مشارکت دارد و آیا جایگزینی برای دریافت مالیات ماهیانه از حقوق دارد؟
۱۳	معاهدات دوجانبه برای تبادل اطلاعات: چه تعداد معاهدات دوجانبه مالیاتی و توافقات مبادله اطلاعات مالیاتی منعقد شده است؟
۱۴	تعهدات بین‌المللی ناظر بر شفافیت: عضویت دولت‌ها در کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر امر شفافیت و سلامت مالی همچون: کنوانسیون ۱۹۸۸ معاضدت اداری مشترک، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و شورای اروپا درخصوص امور مالیاتی، کنوانسیون ۱۹۸۸ ملل متحد با موضوع مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روانگردان، کنوانسیون ۲۰۰۰ ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی، کنوانسیون ۲۰۰۵ ملل متحد علیه مفاسد اقتصادی، تعیین می‌شود.
۱۵	همکاری قضایی بین‌المللی: همکاری قضایی کشورها در تعقیب و مجازات مجرمین جرائم مالی براساس توصیه‌های کارگروه اقدام مالی (FATF).

Source: Tax Justice Network, Mapping Financial Secrecy Index, Methodology, 2011, www.secretjurisdictions.com

1. Knowledge of Beneficial Ownership
2. Financial action task force



این نماگرها که از گزارش مالیاتی سالیانه که توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه قابل استخراج است عبارت است از:

۱. نهانکاری بانکی^۱

آیا نهانکاری بانکی به واسطه مبانی قانونی مورد حمایت قرار می‌گیرد و یا قرارداد خصوصی بانک و مشتری منشأ این حمایت است؟ آیا بانک‌ها ملزم به اخذ و جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات مکفی راجع به مشتریانانشان هستند؟ برای اینکه کشوری درخصوص این نماگر نمره کامل (شفافیت) را بگیرد باید اطلاعات مشتریان بانک‌ها هم موجود و هم قابل دسترس باشد. به طوری که مقامات مالیاتی دولت‌های خارجی بتوانند بدون طی کردن تشریفات خاص و یا اخذ مجوز قضایی به اطلاعات راجع به حساب‌های بانکی اتباع خود دسترسی داشته باشند.

نمودار ۱. تعداد کشورها به تفکیک درجه نهانکاری بانکی



Source: Mapping Financial Secrecy, Banking Secrecy, 2011.

۲. امکان ثبت مؤسسات (بنیادها) و تراست‌ها

آیا امکان اداره شرکت‌ها و تراست‌های خارجی توسط تراست‌های مقیم وجود دارد؟ آیا تراست‌ها و بنیادها به صورت متمرکز و امکان دسترسی همگانی به ثبت می‌رسند؟ اینها پرسش‌هایی است که پاسخ به آنها نماگر مربوط به تراست‌ها و بنیادها را تشکیل می‌دهد. جرائمی که از طریق تراست‌ها و بنیادها در رژیم‌های نهانکار قضایی به وقوع می‌پیوندد عبارت است از: فرار مالیاتی، پنهان کردن عواید ناشی از مفساد اقتصادی، جرائم سازمان‌یافته از قبیل قاچاق مواد مخدر، معاملات غیرقانونی اسلحه، قاچاق انسان، پولشویی، اجتناب از ایفای تعهدات راجع به پرداخت نفقه و حقوقی که اشخاص

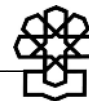
بنابر قوانین مدنی در قبال بستگان خود برعهده دارند، نقض حقوق رقابت، ورشکستگی به تقلب و غیره. در میان ۷۳ کشوری که در سال ۲۰۱۱ مورد ارزیابی قرار گرفته، تنها در یک کشور (اسپانیا) ثبت تراست‌های خارجی و بنیادهای خصوصی مجاز نیست و ۷۲ کشور باقیمانده در این خصوص مقرراتی تصویب نکرده‌اند.

۳. ثبت مالکیت نهایی شرکت‌ها

این‌ناگر در پاسخ به این پرسش که آیا مالکیت نهایی (ذینفع نهایی) شرکت‌ها به‌صورت متمرکز ثبت و روزآمد می‌شود حاصل می‌گردد. عدم ثبت مالکیت نهایی شرکت‌ها به وضعیتی سردرگم‌کننده می‌انجامد که در آن وضعیت، دسترسی به اطلاعات مطلقاً غیرممکن می‌شود. به‌عنوان مثال یک شهروند کنیا، ذینفع یک تراست است که در حوزه یکی از دولت‌های نهانکار به ثبت رسیده است. این تراست در ایالت وایومینگ آمریکا یک شرکت صوری ایجاد می‌کند. شرکت صوری با شهروند کنیایی که درواقع مالک نهایی آن نیز هست قرارداد مشاوره منعقد می‌کند و ماهیانه مبلغ معینی بابت قرارداد از وی دریافت می‌کند. بازرگان کنیایی به‌آسانی مبلغ مذکور را به‌عنوان هزینه قرارداد مشاوره در دفاترش منعکس می‌سازد. درحالی‌که قرارداد مشاوره واقعی نیست و این مبلغ تنها از کشور بدون رعایت مقررات مالیاتی خارج شده است. حال اگر مقامات کنیا به این روند مشکوک شوند و بخواهند اطلاعات کافی راجع به آن تحصیل نمایند، باید به مقامات آمریکایی مراجعه کنند. بی‌تردید مراجعه به مقامات آمریکایی پیش از طی تشریفات قضایی که چند ماه به طول می‌کشد میسر نیست. به هر حال پس از طی تشریفات قضایی مربوطه و طرح تقاضای ارائه اطلاعات توسط مقامات کنیایی به مقامات آمریکایی پاسخ مقامات آمریکایی این خواهد بود که شرکت مورد نظر متعلق به یک تراست است که نه در آمریکا بلکه در کشور ثالثی ثبت شده است و بنابراین مالک نهایی مشخص نیست. روشن است که در این مقطع تحقیقات مقامات کنیایی به بن‌بست خورده و برای همیشه متوقف می‌شود. لازم به ذکر است که از ۷۳ کشور جهان که در سال ۲۰۱۱ به‌عمل آمد تنها چهار کشور آندورا، کاستاریکا، هند و موناکو از حیث ثبت مالکیت نهایی تمامی انواع شرکت‌ها نمره مثبت دریافت کرده‌اند.

۴. انتشار جزئیات مالکیت شرکت‌ها

این‌ناگر با توجه به اینکه آیا کشورها اطلاعات کامل راجع به سهامداران و مالکان واقعی را با درج مشخصات اسناد هویتی آنها به‌همراه محل اقامتشان به رایگان و یا با اخذ هزینه معقول از طریق اینترنت یا سایر طرق مقتضی در دسترس همگان قرار می‌دهند، تعیین می‌شود. وضعیت کشورها در این‌ناگر، بدین‌گونه است که از بین ۷۳ کشور مورد مطالعه، هیچ کشوری



دارای سازوکار انتشار مالکیت بر منافع نیست و ۶ کشور (بحرین، هنگ‌کنگ، جزیره ایرلند، رژیم صهیونیستی، جری، مالتا) دارای سازوکار انتشار مالکیت قانونی هستند و ۶۷ کشور باقیمانده سازوکاری درخصوص انتشار اطلاعات مالکیت شرکت‌ها ندارند.

جدول ۲. وضعیت کشورها در نماگر مربوط به انتشار جزئیات مالکیت شرکت‌ها

تعداد	وضعیت کشورها
۰	کشورهای دارای سازوکار انتشار مالکیت بر منافع
۶	کشورهای دارای سازوکار انتشار مالکیت قانونی
۶۷	کشورهایی که دارای سازوکار انتشار اطلاعات مالکیت شرکت‌ها نیستند

Source: Mapping Financial Secrecy, Published Company Ownership, 2011.

۵. دسترسی به حساب‌های شرکتی

برای تعیین وضعیت این نماگر، ثبت حساب‌های سالیانه شرکتی و همچنین انتشار آن بر روی اینترنت مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. مستثنا شدن شرکت‌های مسئولیت محدود از تکلیف انتشار حساب‌های سالیانه شرکت، یک نکته منفی است که دامنه شفافیت را محدود می‌کند. زیرا شرکت‌هایی که بخواهند از خصوصیت نهانکاری بهره‌برداری کنند، اقدام به تأسیس شرکت‌هایی می‌نمایند که از این تکلیف معاف است. دسترسی به حساب‌های شرکت‌های با مسئولیت محدود از چند جهت دارای اهمیت فراوان است: اولاً انتشار عمومی حساب‌های سالیانه شرکت‌ها به عموم و جامعه اجازه می‌دهد که بتواند ریسک و خطرات ناشی از معاملات بازرگانی با این شرکت‌ها را ارزیابی کند؛ ثانیاً در عصر جهانی شدن اقتصاد، ضروری است که مقامات مالیاتی و مقامات نظارتی قادر باشند صحت اطلاعاتی را که توسط شرکت‌های فراملی و یا شعبات شرکت‌های خارجی به آنها تسلیم می‌شود ارزیابی کنند. بدیهی است که این امر فقط در صورتی امکان دارد که حساب‌های شرکتی در همه کشورهای جهان به ثبت رسیده و در اینترنت منتشر شود؛ سوم اینکه لازمه منطقی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها این است که در قبال مزیت تجارت با مسئولیت محدود که دریافت کرده‌اند حساب‌های سالیانه خود را برای عموم منتشر کنند.

شرکت‌های فراملی و چندملیتی، شبکه شعبات خود را به‌نحوی سامان می‌دهند که بتوانند از فقدان تکلیف انتشار حساب‌های سالیانه بهره‌مند شوند. فراگیر شدن الزام انتشار حساب‌های سالیانه از سوءاستفاده شرکت‌ها از انجام مبادلات با قیمت‌های صوری و غیرواقعی جلوگیری می‌کند. از ۷۳ کشور که مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، تنها ۹ کشور اتریش، بلژیک، دانمارک، فرانسه، آلمان، ایرلند، لوکزامبورگ، مالتا و انگلستان الزام شرکت‌ها به انتشار حساب‌های سالیانه را مقرر می‌دارند.

جدول ۳. وضعیت کشورها در نماگر دسترسی به حساب‌های شرکتی

تعداد	وضعیت کشورها
۹	کشورهای الزام‌کننده انتشار حساب‌های سالیانه شرکتی
۶۴	کشورهایی که الزامی برای انتشار حساب‌های سالیانه شرکتی ندارند

Source: Mapping Financial Secrecy, Published Company Account, 2011.

۶. گزارش کشور به کشور

کارکرد این نماگر سنجش این نکته است که آیا شرکت‌های فراملی و چندملیتی گزارش‌های ناظر بر عملکرد مالی خود را با تفکیک هریک از کشورهایی که در آن فعالیت دارند به مقامات ذیصلاح تسلیم می‌کنند یا خیر. شفاف‌ترین وجه رعایت این نماگر زمانی حاصل می‌شود که به موجب قوانین بورس اوراق بهادار کشورها، الزام تسلیم گزارش کشور به کشور به شرکت‌هایی که وارد بورس می‌شوند تحمیل گردد. از جمله مسائلی که باید در گزارش کشور به کشور درج شود عبارت است از:

الف) معاملات شرکت شامل خرید و فروش اعم از معاملات با سایر شعبات و شرکت‌های وابسته به شرکت و معاملات با اشخاص ثالث،

ب) هزینه‌ها،

ج) درآمد شرکت پیش از کسر مالیات و سود شرکت پس از کسر مالیات،

د) هزینه‌های مربوط به امور استخدامی و امور پرسنلی و تعداد پرسنل،

ه) هزینه و ارزش دفتری دارایی‌های ثابت، ارزش خالص و ناخالص دارایی‌ها و تعهدات مالیاتی و تعهدات مالیاتی معوق و مبلغ واقعی پرداخت شده جهت مالیات.

متأسفانه قوانین جاری راجع به الزام گزارش‌دهی شفاف به تفکیک هر کشور آنچنان ضعیف و مملو از خلأ است که حتی احراز اینکه شرکت‌های چندملیتی در کدام کشورها عملاً در حال فعالیت هستند و چه میزان مالیات می‌پردازند غیرممکن است. نتیجه این عدم شفافیت این است که شرکت‌ها با به‌کارگیری ترفندهایی نرخ مالیاتی را که به‌طور کلی می‌پردازند بدون اینکه به چالش کشیده شوند به آسانی پایین می‌آورند. یکی از ترفندهایی که شرکت‌های چندملیتی به آن متوسل می‌شوند انعکاس سود و درآمد در کشورهای با نرخ مالیاتی پایین و انعکاس هزینه‌ها در کشورهای با نرخ مالیاتی بالا است. انعکاس و انتقال سود به کشورهای با نرخ مالیاتی پایین از طریق قیمتگذاری صوری در معاملات درون‌گروهی و تأمین مالی درون‌گروهی و بیمه اتکایی درون‌گروهی و تغییر مکان تصنیعی دارایی‌ها و ثبت حقوق مالکیت معنوی انجام می‌شود. مطابق استانداردهای شفافیت در موازین گزارش‌دهی مالی که با نقصان همراه است، امکان اختلاط معاملات صوری درون‌گروهی و معاملات واقعی با اشخاص ثالث وجود دارد و در نتیجه امور مالی و مالیاتی بین‌المللی شرکت‌ها با مهارت و



چیره دستی حسابداران و وکلای آنها به خوبی در استتار قرار می‌گیرد. عدم رعایت شاخص شفافیت در تسلیم گزارش کشور به کشور تأثیرات منفی فراگیری دارد و طیف وسیعی را شامل می‌شود؛ به طوری که جامعه مدنی امکان ارزیابی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را از دست می‌دهد و مقامات مالیاتی نمی‌توانند بر آورد درستی از تکلیف مالیاتی شرکت‌ها به دست دهند و سرمایه‌گذاران نیز قدرت اتخاذ تصمیم آگاهانه که مبتنی بر مؤلفه‌های ارزیابی ریسک است را از دست می‌دهند. در بین کشورهای مورد مطالعه، تنها دو کشور گزارش‌های ناظر بر عملکرد مالی خود را با تفکیک هریک از کشورهایی که در آن فعالیت دارند به صورت محدود به مقامات ذیصلاح تسلیم می‌کند و البته کشوری که گزارش‌های مذکور را به صورت کامل تسلیم کند، وجود ندارد.

جدول ۴. وضعیت کشورها در نماگر گزارش کشور به کشور

تعداد	وضعیت کشورها
۰	کشورهای ارائه‌کننده کامل گزارش کشور به کشور
۲	کشورهای ارائه‌کننده محدود گزارش کشور به کشور در بین EITI
۷۱	کشورهای عدم ارائه‌کننده کامل گزارش کشور به کشور

Source: Mapping Financial Secrecy, Country by Country Reporting, 2011.

۷. ظرفیت تبادل اطلاعات

این نماگر، گزارش یا عدم گزارش پرداخت سود سهام توسط شرکت‌های تجاری و پرداخت سود بانکی توسط مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها به اشخاص غیرمقیم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بنابراین اشخاص غیرمقیم از پرداخت مالیات بر سود سهام و سود سپرده‌های بانکی معاف هستند و از این جهت حتی نام آنها ثبت نمی‌شود. در نتیجه برای مقامات کشورهای خارجی دستیابی به اطلاعات راجع به اینکه شهروندان آنها در کدام شرکت‌ها و بانک‌ها سپرده‌گذاری کرده‌اند غیرممکن می‌شود.

جدول ۵. وضعیت کشورها در نماگر ظرفیت تبادل اطلاعات

تعداد	وضعیت کشورها
۹	کشورهای ارائه‌دهنده گزارش سود سهام و سود سپرده‌های بانکی
۳	کشورهای ارائه‌دهنده یکی از گزارش‌های سود سهام یا سود بانکی
۶۱	کشورهایی که گزارش سود سهام و سود سپرده‌های بانکی ارائه نمی‌دهند

Source: Mapping Financial Secrecy, Fit for Information Exchange, 2011.

۸. کارآیی سازمان مالیاتی

این نماگر مربوط به پیش‌بینی واحد مؤدیان بزرگ در سازمان مالیاتی است. فقدان واحد مؤدیان بزرگ در سازمان‌های مالیاتی ناشی از دو احتمال است؛ دلیل و احتمال نخست این است که سازمان فاقد توان فنی و صلاحیت علمی کافی است و به امور همه مؤدیان بدون تفکیک آنها با یک شیوه و سازوکار واحد رسیدگی می‌کند؛ دلیل و احتمال دوم این است که طراحی سازمان بدون استقرار واحد مؤدیان بزرگ تعمدی بوده و در جهت جذب ثروتمندان و سرمایه‌داران خارجی که در صدد انتخاب مقررات و نظام مالیاتی آسانگیر برای رسیدگی به امور مالیاتشان هستند عمل می‌کند.

جدول ۶. وضعیت کشورها در نماگر کارآیی سازمان مالیاتی

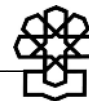
تعداد	وضعیت کشورها
۱۱	کشورهای دارای کارآیی نظام مالیاتی
۳	کشورهای دارای ۸۰ درصد کارآیی مالیاتی
۱	کشورهای دارای ۶۰ درصد کارآیی مالیاتی
۱	کشورهای دارای ۴۰ درصد کارآیی مالیاتی
۱۰	کشورهای دارای ۲۰ درصد کارآیی مالیاتی

Source: Mapping Financial Secrecy, Efficiency of Tax Administration, 2011.

۹. استفاده از ابزارهای جلوگیری از فرار مالیاتی

آنچه با استفاده از این نماگر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد عبارت است از اینکه آیا نظام مالیاتی مورد ارزیابی، به‌ازای مالیات بر درآمدهای سرمایه‌ای حاصل شده در خارج از کشور، شامل مالیات بر سود بانکی و سود سهام که توسط شهروندان به دولت‌های خارجی پرداخت می‌شود، اعتبار مالیاتی اعطا می‌کند یا خیر؟

در دنیای امروز که نظام اقتصادی مستقر در آن در حال تبدیل شدن به یک نظام یکپارچه و جهانی است، احراز اینکه چه بخشی از درآمدهای مکتسبه توسط شهروندان توسط چه دولتی و با چه نسبتی مشمول مالیات قرار می‌گیرد یک ضرورت است و در عین حال فرآیندی بسیار دشوار است. یک اختلاف بنیادین در خصوص اخذ مالیات بر مبنای منشأ درآمد و یا اقامتگاه کسب‌کنندگان درآمد وجود دارد. نظامات مالیاتی در جهان هریک شیوه‌ای را برگزیده و بعضی نیز یک شیوه ترکیبی را اختیار کرده‌اند. کشورهای سرمایه‌فرست با هدف ترویج و توسعه سرمایه‌گذاری شهروندان خود در خارج از کشور از طریق معاف کردن درآمد مکتسبه در خارج به‌موجب قوانین داخلی و انعقاد معاهدات اجتناب از مالیات مضاعف و یا از طریق تخصیص اعتبار مالیاتی به‌ازای مالیات پرداخت شده در خارج از کشور سعی می‌کنند از اخذ مالیات



مضاعف جلوگیری کنند. امروزه بیش از ۲۵۰۰ معاهده اجتناب از مالیات مضاعف در میان کشورها منعقد شده است. نظام پیچیده‌ای که به موجب این معاهدات به وجود آمده است، شرکت‌های بزرگ و چندملیتی را بر آن داشته که مناسب‌ترین کشور را به عنوان میزبان درآمدها و محل اقامت خود برگزینند تا بتوانند از آنچه به عنوان حاشیه فرار مالیاتی قابل تعبیر است بهره‌برداری کنند. اقدامات یکجانبه دولت‌ها که ظاهراً با پیش‌فرض جلوگیری از مالیات مضاعف از طریق معاف کردن درآمدهای خارجی در حوزه کشور میزبان انجام می‌گیرد به نتایج زیانباری منجر می‌شود. معاف شدن درآمد خارجی از مالیات، به رقابتی میان دولت‌ها دامن می‌زند که هر دولت سعی می‌کند با پایین آوردن نرخ مالیاتی سرمایه بیشتری را به کشور خود جلب کند. با توجه به اینکه کشورهای سرمایه‌فرست نیز شهروندان و اشخاص حقیقی و حقوقی مقیم در کشورشان را از پرداخت مالیات متعلقه به درآمدهای تحصیل شده در خارج معاف کرده‌اند، صاحبان سرمایه به کشورهای با نرخ مالیاتی پایین هجوم می‌آورند. بدین ترتیب کشورهای که نرخ مالیاتی آنها پایین یا صفر است، جریان فرار مالیاتی در تمام جهان را تقویت می‌کنند.

به‌طور خلاصه نخست کشورهای سرمایه‌فرست درآمدهای سرمایه‌ای شهروندان خود را که در خارج به دست آمده با اقدامات یکجانبه از مالیات معاف می‌کنند. در مرحله دوم کشورهای سرمایه‌پذیر در یک روند رقابتی با اقدامات یکجانبه، نرخ مالیات بر درآمد خارجی را پایین و پایین‌تر می‌آورند و صاحبان سرمایه به قصد فرار مالیاتی یا بهره‌برداری از حاشیه فرار مالیاتی، اموال و دارایی‌های خود را به این کشورها منتقل می‌کنند. در میان مدت این فرآیند، پدیده فرار مالیاتی درخصوص درآمدهای سرمایه‌ای را در سراسر جهان تثبیت می‌کند. برخلاف شیوه معافیت مالیاتی که ظاهراً با هدف اجتناب از مالیات مضاعف انجام می‌شود، شیوه اعتبار مالیاتی نه موجب ترویج فرار مالیاتی می‌شود و نه دولت‌های میزبان سرمایه‌گذاران خارجی را به کاهش نرخ مالیاتی تشویق می‌کند. علاوه بر این، هدف اجتناب از مالیات مضاعف با این شیوه نیز بی‌کم‌وکاست قابل تحقق است. در شیوه اعتبار مالیاتی اصل بر این است که درآمدهای کسب شده در خارج، مانند درآمدهای کسب شده در داخل کشور، مشمول مالیات هستند. اما مؤدی به‌ازای مبلغی که به دولت خارجی به‌عنوان مالیات پرداخت کرده است از سازمان مالیاتی دولت محل اقامتش اعتبار مالیاتی دریافت می‌کند. سپس مؤدی می‌تواند درخصوص مالیات تعیین شده در محل اقامت به‌جای وجه نقد گواهی اعتبار مالیاتی تسلیم نماید. با ذکر نمونه‌ای درخصوص هریک از این دو روش، مفهوم آنها به شکل روشن‌تری قابل لمس خواهد بود.

الف) معافیت مالیاتی

مثلاً دولت کانادا درآمدهای شرکت‌های کانادایی را که در خارج از کانادا به دست آمده باشد با اقدام یکجانبه معاف از مالیات اعلام می‌کند. سپس دولت امارات متحده در واکنش به این وضعیت نرخ

مالیات بر درآمد را صفر و یا بسیار پایین وضع می‌نماید. شرکت کانادایی با خیال آسوده در امارات به سرمایه‌گذاری مشغول می‌شود. از آنجا که نرخ مالیات در امارات صفر است و درآمد کسب شده در خارج توسط کانادایی‌ها نیز به موجب قانون کانادا مشمول مالیات نیست، شرکت کانادایی در خصوص درآمدی که کسب کرده در هیچ‌جا مالیات نمی‌پردازد.

ب) اعتبار مالیاتی

شرکت کانادایی در امارات که به فرض نرخ مالیات در آن دو درصد است سرمایه‌گذاری می‌کند و مبلغ صدوپنجاه میلیون دلار به دست می‌آورد. سپس سازمان مالیاتی امارات پس از محاسبه و کسر هزینه‌ها و ارقام و اقلام قابل کسر، مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار را به عنوان درآمد مشمول مالیات اعلام می‌کند و دو درصد از آن را معادل دو میلیون دلار از وی اخذ می‌کند و در مقابل گواهی پرداخت مالیات به وی تسلیم می‌نماید. از آنجا که درآمدی که شرکت کانادایی در امارات کسب کرده در کانادا نیز مشمول مالیات است، شرکت کانادایی گواهی پرداخت مالیات به دولت امارات را به سازمان امور مالیاتی کانادا تسلیم می‌کند و در مقابل گواهی اعتبار مالیاتی معادل دو میلیون دلار دریافت می‌کند. سپس درآمد شرکت کانادایی در امارات مورد محاسبه ممیز کانادایی قرار می‌گیرد و از آنجا که نرخ مالیات بر درآمد سرمایه‌ای در کانادا مثلاً ۵ درصد است، مالیات قابل پرداخت توسط شرکت کانادایی به دولت کانادا معادل پنج میلیون دلار اعلام می‌شود. شرکت کانادایی گواهی اعتبار مالیاتی را که معادل دو میلیون دلار صادر شده، به همراه سه میلیون دلار وجه نقد به سازمان مالیات کانادا تسلیم می‌نماید. ملاحظه می‌شود که با این روش دیگر دولت‌های سرمایه‌پذیر در یک مسابقه کاهش نرخ مالیاتی قرار نمی‌گیرند.

جدول ۷. وضعیت کشورها در نماگر استفاده از ابزارهای جلوگیری از فرار مالیاتی

تعداد	وضعیت کشورها
۳۴	عدم اجتناب از ترویج فرار مالیاتی
۹	اجتناب نسبی از ترویج فرار مالیاتی
۳۰	اجتناب کامل از ترویج فرار مالیاتی

Source: Mapping Financial Secrecy, Avoids Promoting Tax Evasion, 2011.

۱۰. نهادها و تأسیسات حقوقی زیان‌آور

این نماگر مجاز بودن یا نبودن ثبت شرکت‌های سلولی محافظت شده^۱ (PCC) و مجاز بودن یا نبودن شرط گریز^۲ را در اسناد تأسیس تراست مورد سنجش قرار می‌دهد.

1. Protected cell company

2. Flee Clause



شرکت سلولی محافظت شده گونه‌ای از شرکت است که منحصراً در حوزه‌های نهانکار یافت می‌شود. شرکت سلولی از مجموعه‌ای از سلول‌های جداگانه تشکیل می‌شود که دارای سرمایه و دارایی منحصر به خود است و هزینه و درآمد اختصاصی خود را دارد. هریک از سلول‌ها علاوه بر سهام و سرمایه اختصاصی خود، مالک بخشی از سهام شرکت سلولی محافظت شده هستند. شرط گریز در حوزه‌های نهانکار در ضمن سند تأسیس تراست گنجانده می‌شود و به موجب آن مقرر می‌گردد که هرگاه وضعیت نامساعدی از قبیل تغییر در نظم و حقوق و مقررات حاکم بر تراست و یا وضع مالیات پیش آید، اداره تراست به محل دیگری انتقال خواهد یافت. وضعیت نامساعد در شروط ضمن سند تراست، شامل مطلع شدن مدیران تراست از قصد مقامات نظارتی برای بازرسی از تراست نیز می‌باشد. بنابراین اگر به هر دلیل و تحت هر شرایطی مقامات نظارتی به مدیران تراست اطلاع دهند که قصد دارند تراست را مورد بازرسی قرار دهند، مدیران می‌توانند با استناد به شرط گریز، تراست را به یک حوزه نهانکار دیگر انتقال دهند. به مدد این شرط و حمایت قانون از الزامی بودن آن، اشخاص ذینفع و مدیران تراست همواره یک قدم جلوتر از قانون قرار دارند و هرگز دست قانون به آنها نمی‌رسد. بنابراین می‌توان گفت که قانون از طریق مجاز شمردن درج شرط گریز در سند تراست، مصونیت و معافیت از قانون را به اشخاص ذینفع اعطا کرده است.

ساختار شرکت‌های سلولی محافظت شده با خانه‌ای که دارای اتاق‌های متعدد است و هر اتاق قفل اختصاصی خود را دارد و در هر اتاق یک دالان فرار که فقط از درون اتاق قابل دسترس است قابل مقایسه می‌باشد. اگر بازرس قصد بازرسی از یکی از اتاق‌های خانه را داشته باشد مجبور است نخست وارد خانه شود. به محض ورود به خانه و باز کردن قفل در اصلی ساکنان اتاق‌ها مطلع می‌شوند و به یمن وجود قفل اختصاصی که برای هر اتاق تعیین شده است، پیش از رسیدن بازرس به در اتاق مورد نظر، ساکنان آن شواهد و ادله را امحا کرده و از طریق دالان فرار می‌گریزند. ضمانت اجرای قانونی درخصوص پاسخ به درخواست‌های بین‌المللی و خارج از حوزه دولت نهانکار برای نفوذ به ساختار شرکت‌های سلولی محافظت شده بسیار ضعیف است. وکلا و حسابدارانی که خدمات مربوط به تأسیس تراست را به‌عنوان سازوکار محافظت از دارایی برای مشتریان بزرگ تبلیغ می‌کنند، بر مزایای شرط گریز به‌منظور فرار از طلبکاران، فرار از ادای دیون قانونی در مقابل همسر و فرزندان و ورثه و فرار از اجرای احکام ورشکستگی تأکید ویژه دارند.

جدول ۸. وضعیت کشورها در نماگر نهادهای حقوقی زیان‌آور

تعداد	وضعیت کشورها
۴	کشورهای منع‌کننده فعالیت شرکت‌های سلولی محافظت شده و تراست‌ها با استفاده از شرط گریز
۴۲	کشورهای منع‌کننده فعالیت شرکت‌های سلولی محافظت شده یا تراست‌ها با استفاده از شرط گریز
۲۷	کشورهایی که فعالیت شرکت‌های سلولی محافظت شده و تراست‌ها را با استفاده از شرط گریز مجاز می‌دانند

Source: Mapping Financial Secrecy, Harmful Legal Vehicles, 2011.

۱۱. مقررات ضد پولشویی

این نماگر، کارآمدی رژیم ضد پولشویی کشورها را براساس توصیه‌های کارگروه اقدام مالی^۱ (FATF) مورد سنجش قرار می‌دهد. کارگروه مزبور یک نهاد بین‌المللی است که برای مبارزه با پولشویی به‌وجود آمده است. این نهاد در سال ۲۰۰۳ مجموعه‌ای از ۴۹ توصیه را منتشر کرد که کاربست آنها در نظام حقوقی و مالی کشورها شفافیت مالی را در جهت مسدود شدن امکان پولشویی تضمین می‌کند.

جدول ۹. وضعیت کشورها در نماگر مقررات ضد پولشویی

تعداد	وضعیت کشورها
۰	کشورهایی که به‌طور کامل از قوانین و توافقنامه‌های ضد پولشویی پیروی کرده‌اند
۳۸	کشورهایی که به‌طور نسبی از قوانین و توافقنامه‌های ضد پولشویی پیروی کرده‌اند (بالای ۴۹ درصد)
۲۶	کشورهایی که به‌طور نسبی از قوانین و توافقنامه‌های ضد پولشویی پیروی کرده‌اند (زیر ۵۰ درصد)
۹	کشورهایی که از قوانین و توافقنامه‌های ضد پولشویی پیروی نکرده‌اند

Source: Mapping Financial Secrecy, Anti Money Laundering, 2011.

۱۲. مشارکت در سازوکارهای مبادله اطلاعات

این نماگر مشارکت کشورها در معاهدات دوجانبه یا منطقه‌ای و یا چندجانبه و بین‌المللی را به‌منظور مبادله اطلاعات مالیاتی مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

جدول ۱۰. وضعیت کشورها در نماگر مشارکت در سازوکارهای مبادله اطلاعات

تعداد	وضعیت کشورها
۲۰	کشورهای مشارکت‌کننده در مبادله داوطلبانه اطلاعات
۵۳	کشورهای مشارکت‌نکننده در مبادله داوطلبانه اطلاعات

Source: Mapping Financial Secrecy, Automatic Information Exchange, 2011.



۱۳. معاهدات دوجانبه برای تبادل اطلاعات

این نماگر اعتبار دولت‌ها را متناسب با تعداد معاهدات دوجانبه تبادل اطلاعات مالیاتی که منعقد کرده‌اند مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

جدول ۱۱. وضعیت کشورها در نماگر معاهدات دوجانبه برای تبادل اطلاعات

تعداد	وضعیت کشورها
۱۱	کشورهای با شفافیت کامل اعتباری
۶۲	کشورهای با شفافیت جزئی یا عدم شفافیت اعتباری

Source: Mapping Financial Secrecy, Bilateral Treaties, 2011.

۱۴. تعهدات بین‌المللی ناظر بر شفافیت

این نماگر براساس عضویت دولت‌ها در کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر امر شفافیت و سلامت مالی تعیین می‌شود. پنج کنوانسیون که عضویت در آنها ملاک قوت و یا ضعف نماگر در مورد هریک از دولت‌ها است به شرح زیر است:

الف) کنوانسیون ۱۹۸۸ معاضدت اداری مشترک، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و شورای اروپا درخصوص امور مالیاتی.

ب) کنوانسیون ۲۰۰۳ ملل متحد علیه مفاسد اقتصادی.

ج) کنوانسیون ۱۹۸۸ ملل متحد با موضوع مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روانگردان.

د) کنوانسیون ۱۹۹۹ ملل متحد برای سرکوب تأمین مالی اعمال تروریستی.

هـ) کنوانسیون ۲۰۰۰ ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی.

جدول ۱۲. وضعیت کشورها در نماگر قبول معاهدات بین‌المللی

تعداد	وضعیت کشورها
۱	کشورهایی که معاهدات را به‌طور کامل پذیرفته‌اند
۵۹	کشورهایی که بیش از نیمی از معاهدات را پذیرفته‌اند
۱۳	کشورهایی که کمتر از نصف معاهدات را پذیرفته‌اند

Source: Mapping Financial Secrecy, International Transparency Commitments, 2011.

۱۵. همکاری قضایی بین‌المللی

این نماگر همکاری قضایی کشورها را در تعقیب و مجازات مجرمین جرائم مالی از قبیل پولشویی و تأمین مالی تروریسم مورد ارزیابی قرار می‌دهد. استرداد مجرمین و مصادره اموال حاصل از جرائم مالی از جمله مصادیق همکاری قضایی بین‌المللی است.

جدول ۱۳. وضعیت کشورها در نماگر همکاری قضایی بین‌المللی

تعداد	وضعیت کشورها
۶	کشورهایی که به‌طور کامل همکاری قضایی داشته‌اند
۵۰	کشورهایی که به‌طور نسبی همکاری قضایی داشته‌اند (بیش از ۵۰ درصد)
۸	کشورهایی که به‌طور نسبی همکاری قضایی داشته‌اند (کمتر از ۵۰ درصد)
۹	کشورهایی که همکاری قضایی نداشته‌اند (تا ۲۰۱۰/۱۲/۳۱)

Source: Mapping Financial Secrecy, International Judicial Co-operation.



پیوست

فهرست کشورهای مورد بررسی در شاخص نهانکاری مالی

نام کشور	ردیف	نام کشور	ردیف
کره	۳۸	آندورا	۱
لتونی	۳۹	آنگویلا	۲
لبنان	۴۰	آنتیگوا و باربودا	۳
لیبریا	۴۱	آروبا	۴
لیختن اشتاین	۴۲	باهاما	۵
لوکزامبورگ	۴۳	اتریش	۶
ماکائو	۴۴	بحرین	۷
مالزی	۴۵	باربادوس	۸
مالدیو	۴۶	بلژیک	۹
جزیره مالت	۴۷	بلیز	۱۰
جزایر مارشال	۴۸	برمودا	۱۱
موریس	۴۹	بوتسوانا	۱۲
موناکو	۵۰	جزایر ویرجین بریتانیا	۱۳
مونتسرات	۵۱	برونئی	۱۴
نائورو	۵۲	کانادا	۱۵
هلند	۵۳	جزایر کایمان	۱۶
آنتیل هلند	۵۴	جزایر کوک	۱۷
پاناما	۵۵	کاستاریکا	۱۸
فیلیپین	۵۶	قبرس	۱۹
پرتغال (مادیرا)	۵۷	دانمارک	۲۰
ساموآ	۵۸	دومینیکا	۲۱
سان مارینو	۵۹	فرانسه	۲۲
سیشل	۶۰	آلمان	۲۳
سنگاپور	۶۱	غنا	۲۴
اسپانیا	۶۲	جبل الطارق	۲۵
سنت کیس و لوئیس	۶۳	گرانادا	۲۶
سنت لوسیا	۶۴	گواتمالا	۲۷
سنت وینسنت و گرنادین	۶۵	گوئرنزی	۲۸
سوئیس	۶۶	هنگ کنگ	۲۹
جزایر تورکس و کایکوس	۶۷	مجارستان	۳۰
امارات متحده عربی (دوبی)	۶۸	هندوستان	۳۱
انگلستان	۶۹	ایرلند	۳۲
اروگوئه	۷۰	جزیره من	۳۳
جزایر ویرجین آمریکا	۷۱	رژیم اشغالگر قدس	۳۴
ایالات متحده	۷۲	ایتالیا	۳۵
وانواتو	۷۳	ژاپن	۳۶
		جرسی	۳۷

Source: Mapping Financial Secrecy, Index, Methodology, 2011.

منبع و مأخذ

- Tax Justice Network, Mapping Financial Secrecy, Secrecy Indicators, 2011. At: [www.secrecy Jurisdictions.com/reasearchanalysis/](http://www.secrecyjurisdictions.com/researchanalysis/)



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۸۲۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: رازداری یا نهانکاری بانکی و مالی

نام گروه: مطالعات محیط کسب و کار

تهیه و تدوین: بهنام گل‌نژاد

همکار: موسی شهبازی غیائی

ناظران علمی: سیدامیر سیاح، صمد عزیزنژاد

مقتضی: معاونت اقتصادی

ویراستار تخصصی: احمد مرکزمالگیری

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. نهانکاری بانکی یا مالی

۲. شفافیت مالی

۳. رازداری بانکی یا مالی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰